

# بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری

جلد اول

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی

بهار ۱۳۹۵

بابایی، علی اکبر، ۱۳۳۳ -  
بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری / علی اکبر بابایی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان  
مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱.  
ج ۲ - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۰۰، ۲۳۷: قرآن پژوهی؛ ۲۱، ۲۷) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم  
انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۵۸۴، ۱۶۱۳: علوم قرآن و حدیث؛ ۴۳، ۴۵)  
ISBN: 978-600-5486-84-1 (ج ۱) بهای: ۵۰۰۰۰ ریال  
ISBN: 978-600-5486-85-8 (ج ۲) بهای: ۵۶۰۰۰ ریال  
ISBN: 978-600-5486-86-5 (دوره) فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه، ج ۲: [۲۳۵]-۲۴۴.  
نمایه.  
۱. تفسیر - فن. ۲. مفسران. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم  
انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج. عنوان.  
۱۳۹۱ ۴ ب ۲ / ۵ / ۹۱ BP شماره کتابشناسی ملی  
۲۹۷ / ۱۷۱  
۲۷۲۵۳۵۸



### بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری (ج ۱)

مؤلف: حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۵ (چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱)

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۰۶۰۰۰ ریال

### کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) - نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۵۲ - ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امروز فضلا و مدرسین علوم اسلامی طریقهٔ سلف صالح را حفظ و افکار  
خود را برای هرچه پربارتر کردن فقه و تفسیر و فلسفه و سایر علوم اسلامی  
به کار برند و شاگردان خود را برای همین مقصد الهی هدایت کنند.

صحیفهٔ نور، ج ۱۸، ص ۲۳۳

## پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چهل و ششمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری (ج ۱) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته‌های «علوم قرآنی» و «تفسیر» در مقطع تحصیلات تکمیلی تهیه و تدوین شده است.

امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنا دار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی علیه السلام و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث گرانبغایی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی

اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

**معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری**

## فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
فصل اول: مباحث مقدماتی	۷
مقدمه	۷
۱. مکاتب تفسیری	۸
۲. مبانی و روش‌های تفسیری	۱۱
الف) مبانی تفسیر	۱۱
ب) روش‌های تفسیری	۱۳
۳. مذاهب، مناهج و مدارس تفسیری	۱۴
الف) مذاهب تفسیری	۱۴
ب) مناهج تفسیری	۱۵
ج) مدارس تفسیری	۱۶
۴. اتجاهات و الوان تفسیری	۱۷
الف) اتجاهات تفسیری	۱۷
ب) الوان تفسیری	۱۸
۵. دسته‌بندی مفسران	۱۸
۱-۵. مفسران مصون از خطا و آگاه به همه معانی قرآن	۱۸
دلایل مفسران برگزیده خدا بودن دوازده نفر از اهل بیت رسول خدا ﷺ	۱۹
الف) حکمت خدا و نصوص امامت	۲۰
ب) حدیث ثقلین	۲۰
ج) روایات صریح	۲۲
نتیجه‌گیری	۲۳
۲-۵. مفسران خطاپذیر و آگاه به برخی از معانی قرآن	۲۴

۲۵	۶. دسته‌بندی تفاسیر و مکاتب تفسیری
۲۷	۱-۶. تفاسیر روایی محض
۲۷	۲-۶. تفاسیر باطنی محض
۲۸	۳-۶. تفاسیر اجتهادی
۲۸	۱-۳-۶. تفاسیر اجتهادی قرآن به قرآن
۲۸	۲-۳-۶. تفاسیر اجتهادی روایی
۲۸	۳-۳-۶. تفاسیر اجتهادی ادبی
۲۸	۴-۳-۶. تفاسیر اجتهادی فلسفی
۲۹	۵-۳-۶. تفاسیر اجتهادی علمی
۲۹	۶-۳-۶. تفاسیر اجتهادی نسبتاً جامع
۳۰	○ چکیده فصل
۳۱	○ پرسش‌ها
۳۱	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۳۲	○ برای پژوهش

۳۳	فصل دوم: مکتب و روش تفسیری در روایات نقل شده از معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۳۳	مقدمه
۳۴	۱. مکتب تفسیری
۳۴	۱-۱. تدبیر در آیات محکم و استمداد از معصومان <small>علیهم‌السلام</small> در تفسیر آیات متشابه
۳۸	۲-۱. تفسیر ظاهر آیات با روش عقلایی و عرفی
۳۹	۳-۱. نهی و نکوهش از تفسیر بدون علم و اطمینان
۴۱	۴-۱. لزوم احتراز از تفسیر به رأی
۴۲	۵-۱. اختصاص ندادن آیات به برخی مصادیق حتی به شأن نزول
۴۳	۶-۱. تفسیر برخی خطاب‌های قرآن براساس مثل معروف «به در می‌گوید تا دیوار بشنود»
۴۴	۲. روش تفسیری
۴۴	۱-۲. بیان معنا براساس مفاهیم عرفی کلمات
۴۵	۲-۲. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های ادبی کلام
۴۶	۳-۲. بیان معنا با توجه به سیاق
۴۸	۴-۲. بیان معنا با توجه به فضای صدور کلام
۴۹	۵-۲. بیان معنا با توجه به معلومات عقلی
۵۱	۶-۲. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های گوینده کلام
۵۲	۷-۲. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های مخاطب
۵۳	۸-۲. بیان معنا با توجه به مشخصات موضوع کلام



۵۵	۹-۲. بیان معنا با توجه به دیگر کلام‌های گوینده
۵۷	۱۰-۲. استناد به تفسیر معلمان ویژه قرآن
۶۰	۱۱-۲. استناد به اجماع امت
۶۱	۱۲-۲. بیان معانی باطنی فراعرفی
۶۲	نتیجه‌گیری
۶۴	○ چکیده فصل
۶۵	○ پرسش‌ها
۶۵	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۶۵	○ برای پژوهش
۶۷	<b>فصل سوم: ارزش تفسیر صحابه و تابعین و بررسی روش تفسیری آنان</b>
۶۷	مقدمه
۶۸	۱. تعریف صحابی و تابعی
۶۹	۲. مفسران صحابی معروف
۷۰	۱-۲. ابن عباس
۷۱	۲-۲. ابن مسعود
۷۲	۳-۲. اُبی بن کعب
۷۳	۴-۲. جابر بن عبدالله انصاری
۷۳	۳. برخی از مفسران معروف تابعی
۷۳	۱-۳. مجاهد
۷۴	۲-۳. سعید بن جبیر
۷۵	۳-۳. ابوحمزه ثمالی
۷۶	۴-۳. حسن بصری
۷۷	۵-۳. عکرمه
۷۸	۴. ارزش تفسیر صحابه و تابعین
۸۰	۵. بررسی روش تفسیری صحابه و تابعین
۸۰	۱-۵. ذکر معنای کلمه بدون مستند
۸۱	۲-۵. بهره‌گیری از اشعار عرب
۸۲	۳-۵. استفاده از محاورات عرفی عرب
۸۴	۴-۵. ذکر مصداق
۸۵	۵-۵. بیان سبب و فضای نزول
۸۶	۶-۵. بیان شأن نزول
۸۷	۷-۵. توجه به قرینه‌های عقلی

۸۸	۸-۵. استفاده از خصوصیات موضوع آیات
۸۹	۹-۵. بهره‌گیری از قرآن
۹۱	۱۰-۵. بهره‌گیری از سنت
۹۳	۱۱-۵. استناد به آرای صحابه
۹۴	۱۲-۵. ذکر معنای اشاری
۹۵	○ چکیده فصل
۹۶	○ پرسش‌ها
۹۶	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۹۷	○ برای پژوهش
۹۹	<b>فصل چهارم: بررسی مکتب تفسیری روایی محض</b>
۹۹	مقدمه
۹۹	۱. تعریف مکتب تفسیری روایی محض
۱۰۰	۲. طرفداران مکتب تفسیری روایی محض
۱۰۴	۳. بررسی دلایل موافقان مکتب تفسیری روایی محض
۱۰۴	۱-۳. دلایل قرآنی
۱۰۵	۱-۳-۱. لزوم رجوع به رسول خدا ﷺ و اولی الامر
۱۰۷	۱-۳-۲. نکوهش پیروی از گمان
۱۰۹	۱-۳-۳. اختصاص دانش قرآن و تعلیم آن به رسول خدا ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام
۱۱۲	۲-۳. دلایل روایی
۱۱۵	۱-۲-۳. حدیث ثقلین
۱۱۷	۲-۲-۳. روایات بیانگر اختصاص شناخت قرآن و تفسیر آن به معصومان علیهم السلام
۱۲۱	۳-۲-۳. روایات بیانگر برخی از ویژگی‌های قرآن
۱۲۲	۴-۲-۳. روایات نکوهش‌کننده از تفسیر بدون آگاهی
۱۲۳	۵-۲-۳. روایات نکوهش‌کننده از جدال در قرآن
۱۲۳	۶-۵-۳. روایات بیانگر نادرستی پندار منسوب به ابن عباس
۱۲۳	۷-۵-۳. روایات دلالت‌کننده بر کفر کسی که برخی از قرآن را به برخی دیگر آن بزند
۱۲۴	۸-۲-۳. روایات بیانگر کافی نبودن قرآن برای رفع اختلاف
۱۲۴	۴. دلایل اعتبار تفسیرهای غیر روایی
۱۲۵	۱-۴. تفهیم قرآن به روش عقلا
۱۲۶	۲-۴. تحدی قرآن
۱۲۷	۳-۴. آیاتی از قرآن
۱۲۹	۴-۴. روایات

۱۳۲	○ چکیده فصل
۱۳۳	○ پرسش‌ها
۱۳۴	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۱۳۴	○ برای پژوهش

**فصل پنجم: معرفی و بررسی تفاسیر روایی محض**

۱۳۵	مقدمه
۱۳۶	۱. دسته‌بندی تفاسیر روایی محض
۱۳۶	۱-۱. تفاسیر روایی اصلی
۱۳۶	۲-۱. جوامع تفسیری
۱۳۷	۲. تفاوت اساسی تفاسیرهای روایی شیعه و اهل تسنن
۱۳۸	۳. کاستی‌های مشترک تفاسیرهای روایی محض
۱۳۸	۱-۳. جامع نبودن
۱۳۹	۲-۳. آمیختگی به روایات ضعیف و غیر قابل اعتماد
۱۴۰	۴. بررسی تفاسیر روایی اهل تسنن
۱۴۰	۱-۴. معرفی و بررسی کتاب التفسیر بخاری و اشاره به دیگر تفاسیر روایی اصلی ضمنی
۱۴۳	۲-۴. معرفی و بررسی تفسیر القرآن العظیم (ابن‌ابی‌حاتم رازی)
۱۴۷	۳-۴. معرفی و بررسی الدر المنثور
۱۵۱	۵. معرفی و بررسی تفاسیر روایی شیعه
۱۵۱	۱-۵. معرفی و بررسی تفسیر العیاشی
۱۵۳	۲-۵. معرفی و بررسی تفسیر فرات الکوفی
۱۵۶	۳-۵. معرفی و بررسی «البرهان فی تفسیر القرآن»
۱۶۱	۴-۵. معرفی و بررسی تفسیر نور الثقلین

۱۶۶	○ چکیده فصل
۱۶۸	○ پرسش‌ها
۱۶۸	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۱۶۸	○ برای پژوهش

**فصل ششم: معرفی و بررسی مکتب تفسیری باطنی محض**

۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	۱. تعریف مکتب تفسیری باطنی محض
۱۷۰	۲. طرفداران مکتب تفسیری باطنی محض
۱۷۴	۳. بررسی دلایل مکتب تفسیری باطنی محض

۱۷۴	۱-۳. دلیل قرآنی
۱۷۴	۲-۳. دلیل روایی
۱۷۵	۴. ماهیت باطن قرآن
۱۷۵	۱-۴. دیدگاه دانشمندان
۱۷۶	۲-۴. ویژگی‌های باطن قرآن در روایات
۱۷۷	۱-۲-۴. باطن داشتن همه آیات قرآن
۱۷۸	۲-۲-۴. باطن، معانی و مصادیق غیر ظاهر قرآن
۱۸۰	۳-۲-۴. فهم باطن قرآن، ویژه راسخان در علم
۱۸۰	۴-۲-۴. قابل تحمل نبودن باطن برای همه افراد
۱۸۱	۵-۲-۴. معانی باطنی قابل فهم برای غیر راسخان در علم
۱۸۴	۳-۴. تعریف باطن قرآن با توجه به روایات
۱۸۵	۵. معیار صحت تفسیر باطنی و نقش آن در تفسیر
۱۸۹	۶. بررسی نسبتی نادرست به شیعه درباره وجود باطن برای قرآن
۱۹۱	۷. بررسی انکار تأویل برخی آیات
۱۹۷	○ چکیده فصل
۱۹۹	○ پرسش‌ها
۱۹۹	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۲۰۰	○ برای پژوهش

۲۰۱	<b>فصل هفتم: معرفی و بررسی تفاسیر باطنی محض</b>
۲۰۱	مقدمه
۲۰۲	تفاسیر باطنی محض
۲۰۳	۱. معرفی و بررسی حقائق التفسیر
۲۰۸	۲. معرفی و بررسی التفسیر الصوفی عند الصادق <small>ع</small>
۲۱۰	۳. معرفی و بررسی زیادات حقائق التفسیر
۲۱۰	۴. معرفی و بررسی عرائس البیان فی حقائق القرآن
۲۱۲	۵. معرفی و بررسی تفسیر القرآن الکریم
۲۱۳	۱-۵. مکتب تفسیری مؤلف
۲۱۵	۲-۵. محتوای تفسیر
۲۱۶	۱-۲-۵. تأویل
۲۱۶	۱-۱-۲-۵. فقدان دلیل معتبر
۲۱۷	۲-۱-۲-۵. ذکر تأویل متضاد با ظاهر آیات
۲۱۷	۳-۱-۲-۵. استناد به آیه و روایتی که بر مدعای وی دلالت ندارد

۲۱۸	..... ۴-۱-۲-۵. تأویل آیات براساس مطالب و اخبار مجعول
۲۱۹	..... ۲-۲-۵. تطبیق
۲۲۱	..... ۳-۲-۵. تفسیر
۲۲۳	..... ۶. معرفی و بررسی مرآة الانوار و مشکوة الاسرار
۲۲۴	..... ۱-۶. مکتب تفسیری مؤلف
۲۲۶	..... ۲-۶. روش تفسیری مؤلف
۲۳۲	..... ○ چکیده فصل
۲۳۳	..... ○ پرسش‌ها
۲۳۳	..... ○ منابع برای مطالعه بیشتر
۲۳۴	..... ○ برای پژوهش
۲۳۵	..... منابع و مأخذ
۲۴۵	..... نمایه آیات
۲۵۵	..... نمایه روایات
۲۶۱	..... نمایه اسامی و عناوین معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۲۶۳	..... نمایه اعلام
۲۶۹	..... نمایه کتاب‌ها و مجله‌ها



## پیشگفتار

قرآن کریم قابل اعتمادترین منبع و حیانی است که انسان‌ها را به استوارترین روش زندگی هدایت می‌کند<sup>۱</sup> و آنان را که در پی خشنودی خداوند باشند، به راه‌های بی‌گزند هدایت کرده، از تاریکی‌ها نجات داده و به جهانی سراسر نورانیت وارد می‌سازد.<sup>۲</sup>

معارف و علوم این کتاب گران‌سنگ از جهت ظهور و خفای دلالت آیات و آسانی و دشواری فهم آنها از الفاظ و عبارات، سطح‌ها و مرتبه‌های گوناگونی دارد. فهم مرتبه‌ای از آن برای عموم آسان است<sup>۳</sup> و فهم کامل معارف، علوم و احکام آن، ویژه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای گرانقدر ایشان است.<sup>۴</sup> مرتبه‌ای از معانی و معارف آن برای غیر پیامبر و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز قابل فهم و دستیابی است، ولی به تدبیر و تفسیر و تلاش علمی مناسب نیاز دارد و همین نیاز، موجب پیدایش هزاران تفسیر با مکتب‌ها و روش‌های تفسیری مختلف شده است. پوشیده نیست که برای فهم این بخش از معارف قرآن کریم، علوم و آگاهی‌هایی نیاز است که بدون آنها نمی‌توان به فهم صحیح این مرتبه از معارف قرآن دست یافت.

از جمله دانش‌هایی که بی‌تردید در فهم صحیح این بخش از معارف قرآن کریم می‌تواند مؤثر باشد، آشنایی با قوت‌ها و ضعف‌های مکاتب تفسیری و نظریه‌هایی است که تاکنون درباره چگونه تفسیر کردن قرآن پدید آمده است؛ همچنین شناخت ویژگی‌های کتاب‌های

۱. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۹).

۲. «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ» (مائده، ۱۶).

۳. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّذَكِّرٍ» (قمر، ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰).

۴. از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «ما يستطيع أحد ان يدعى ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الأوصياء؛ هیچ‌کس جز اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، ظاهر و باطن آن، نزد اوست» (کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶، کتاب الحججه، باب انه لم يجمع القرآن كله الا الائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، حدیث ۲).

تفسیری متناسب با آن مکاتب که با روش‌های مختلف به تفسیر آیات پرداخته‌اند نیز در بهره‌گیری صحیح از آن کتاب‌ها و درس‌آموزی از تجربه‌ها و خطاهای مفسران پیشین بسیار سودمند است.

برای تأمین این آگاهی مفید و ضروری پیش‌تر سه جلد کتاب مکاتب تفسیری تألیف شد و به لطف الهی توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد و در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی از آن به عنوان منبع یا کتاب درسی استفاده شد، ولی چون آن کتاب‌ها، فاقد ویژگی‌های متن آموزشی بودند، از مؤلف خواسته شد تا آن کتاب‌ها را بازنگاری و به صورت متن آموزشی درآورد. در پاسخ این درخواست، با بازنگری محتوای مکاتب تفسیری و حذف و اضافات و تنقیح و ویرایش مطالب آن، کتاب حاضر و جلد دوم این کتاب با ویژگی‌های متن آموزشی برای مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شد و اکنون به جامعه علمی کشور تقدیم می‌شود. امید است این بضاعت مزجاء، گامی مؤثر در پیشرفت دانش تفسیر و خدمتی به شیفتگان معارف قرآن و استادان و دانشجویان تفسیر باشد و مورد عنایت ولی عصر علیه السلام و مقبول حضرت حق واقع شود.

#### اشاره‌ای به محتوای کتاب

این کتاب، مشتمل بر هفت فصل است:

#### فصل اول: مباحث مقدماتی

در این فصل، پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی «مکاتب تفسیری»، «روش‌های تفسیری» شماری از مفاهیم اصطلاحی دیگر مانند: «مبانی تفسیری»، «مذاهب تفسیری»، «مناهج تفسیری»، «مدارس تفسیری»، «اتجاهات تفسیری» و «الوان تفسیری» نیز تعریف و تفاوت آنها با «مکاتب تفسیری» روشن می‌شود. یکی دیگر از مباحث این فصل، تقسیم مفسران به دو دسته: «مفسران برگزیده خدا، آگاه به همه معانی قرآن و مصون از خطا» و «مفسران خطاپذیر و آگاه به بعضی از معانی قرآن»، و بیان دلایلی بر جایگاه ویژه اهل بیت پیامبر علیهم السلام در میان مفسران است. دسته‌بندی کتاب‌های تفسیری موجود و مکاتب تفسیری متناسب با آن کتاب‌ها از دیگر مباحث این فصل است.



### فصل دوم: مکتب و روش تفسیری در روایات نقل شده از معصومان علیهم السلام

در این فصل، ویژگی‌هایی برای مکتب و روش تفسیری صحیح از روایات نقل شده از معصومان علیهم السلام استنباط و بیان می‌شود. با توجه به جایگاه ویژه معصومان علیهم السلام در تفسیر قرآن، ویژگی‌های به دست آمده از روایات آنان می‌تواند معیار و شاخصی برای شناسایی مکتب و روش تفسیری صحیح و کامل باشد. هرچند نظریه جامع و صریحی درباره اینکه قرآن را چگونه باید تفسیر کرد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نقل نشده، اما در میان روایات نقل شده از ایشان، رهنمودهایی کلی برای تفسیر بیان شده است که از آن رهنمودها می‌توان با برخی از ویژگی‌های مکتب و روش تفسیری صحیح و مورد تأیید ایشان آشنا شد. ویژگی‌های مکتب تفسیری به دست آمده از روایات عبارت‌اند از:

۱. تدبّر در آیات محکم و استمداد از معصومان علیهم السلام در تفسیر آیات متشابه؛
  ۲. تفسیر ظاهر آیات با روش عقلایی و عرفی؛
  ۳. نهی و نکوهش از تفسیر بدون علم و اطمینان؛
  ۴. لزوم احتراز از تفسیر به رأی؛
  ۵. اختصاص ندادن آیات به برخی مصادیق، حتی به شأن نزول؛
  ۶. تفسیر برخی خطاب‌های قرآن براساس مثل معروف «به در می‌گوید، تا دیوار بشنود».
- ویژگی‌های روش تفسیری به دست آمده از روایات عبارت‌اند از:
۱. بیان معنا براساس مفاهیم عرفی کلمات؛
  ۲. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های ادبی کلام؛
  ۳. بیان معنا با توجه به سیاق؛
  ۴. بیان معنا با توجه به فضای صدور کلام؛
  ۵. بیان معنا با توجه به معلومات عقلی؛
  ۶. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های گوینده کلام؛
  ۷. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های مخاطب؛
  ۸. بیان معنا با توجه به مشخصات موضوع کلام؛
  ۹. بیان معنا با توجه به دیگر کلام‌های گوینده؛
  ۱۰. استناد به تفسیر معلمان ویژه قرآن؛
  ۱۱. استناد به اجماع امت؛
  ۱۲. بیان معانی باطنی فراعرفی.

### فصل سوم: ارزش تفسیر صحابه و تابعین و بررسی روش تفسیری آنان

در این فصل، پس از تعریف صحابه و تابعین و معرفی اجمالی برخی مفسران معروف صحابه و تابعین و بیان ارزش تفسیر صحابه و تابعین، با استفاده از آثار تفسیری نقل شده از صحابه و تابعین روش تفسیری آنان شناسایی و بررسی می‌شود. ویژگی‌های روش تفسیری آنان عبارت‌اند از:

۱. ذکر معنای کلمه بدون مستند؛
۲. بهره‌گیری از اشعار عرب؛
۳. استفاده از محاورات عرفی عرب؛
۴. بیان مصداق؛
۵. بیان سبب و فضای نزول؛
۶. بیان شأن نزول؛
۷. توجه به قراین عقلی؛
۸. استفاده از خصوصیات موضوع آیات؛
۹. بهره‌گیری از قرآن؛
۱۰. تعلّم از مفسران برگزیده خدا و بهره‌گیری از سنت؛
۱۱. استناد به آرای صحابه؛
۱۲. بیان معنای اشاری.

### فصل چهارم: بررسی مکتب تفسیری روایی محض

در این فصل، مکتب تفسیری روایی محض تعریف و موافقان این مکتب معرفی شده و دلایل آنان نقد و ادله اعتبار تفسیرهای غیر روایی بیان می‌شود. چنان‌که عنوان این مکتب نشان می‌دهد، براساس این مکتب در تفسیر آیات باید به نقل روایت بسنده شده و از هر گونه اجتهاد پرهیز شود. در این فصل با بررسی دلایل موافقان این مکتب و بیان دلایلی بر اعتبار تفسیر غیر روایی ضمن تأکید بر لزوم رجوع به روایات در تفسیر، نادرستی این مکتب و روش آن نتیجه‌گیری می‌شود.

### فصل پنجم: معرفی و بررسی تفسیرهای روایی محض

در این فصل، تفسیرهای روایی محض دسته‌بندی شده، تفاوت اساسی تفسیرهای روایی اهل تسنن و شیعه و کاستی‌های مشترک تفسیرهای روایی بیان گشته و شماری از تفسیرهای

روایی محض اهل تسنن و شیعه معرفی و بررسی می‌شوند. از تفاسیر اهل تسنن کتاب التفسیر بخاری، تفسیر القرآن العظیم ابن‌ابی‌حاتم رازی و الدر المنثور سیوطی و از تفاسیر شیعه تفسیر العیاشی، تفسیر فرات الکوفی، البرهان فی تفسیر القرآن بحرانی و نور الثقلین حویزی معرفی و بررسی می‌شوند.

### فصل ششم: معرفی و بررسی مکتب تفسیری باطنی محض

در این فصل، نخست مکتب یا نظریه تفسیری باطنی محض تعریف می‌شود و از طرفدار داشتن یا نداشتن این نظریه بحث شده و دلیلی که برای صحت آن ذکر کرده‌اند، بررسی می‌گردد. سپس ماهیت باطن قرآن با توجه به روایات، تعریف و معیار و شرایطی برای صحت تفسیر باطنی تبیین و براساس آن، اشکال برخی اهل تسنن بر تفسیرهای باطنی شیعه و انکار تأویل برخی آیات از سوی عالمان شیعه بررسی می‌شود.

### فصل هفتم: معرفی و بررسی تفاسیر باطنی محض

در این فصل، نخست تفسیرهای باطنی محض تعریف و به جایگاه آنها در میان تفسیرها اشاره شده و سپس شماری از مهم‌ترین آنها معرفی و بررسی شده‌اند. تفسیرهایی که در این فصل، معرفی و ارزیابی می‌شوند، عبارت‌اند از: ۱. حقائق التفسیر؛ ۲. التفسیر الصوفی عند الصادق علیه السلام؛ ۳. زیادات حقائق التفسیر؛ ۴. عرائس البیان فی حقائق القرآن؛ ۵. تفسیر القرآن الکریم؛ ۶. مرآة الانوار و مشکوة الاسرار.

شایسته است استادان محترم در تدریس این کتاب به چند نکته توجه فرمایند:

۱. با توجه به اینکه این کتاب، مشتمل بر هفت فصل و به میزان دو واحد درسی است و هر فصلی مطالب دو درس را دربر دارد، استادان محترم مطالب را به گونه‌ای تنظیم کنند که هر فصل در دو جلسه (۱/۵ ساعته) تدریس شود و اگر تشخیص دادند مطالب یک فصل را نمی‌توان در دو جلسه تدریس کرد می‌توانند به فراخور حال دانشجویان و طلاب کلاس بخشی از مباحث فصل را که امکان تدریس آن در دو جلسه باشد انتخاب و بقیه را حذف یا به مطالعه آنان واگذار کنند؛
۲. در پایان هر فصل، موضوعاتی برای تحقیق و منابعی برای مطالعه بیشتر ارائه شده است. استادان محترم می‌توانند آن موضوعات را به دانشجویان پیشنهاد دهند و برای تشویق

بیشتر، امتیاز یا نمره‌ای برای آن در نظر گیرند و بهتر است این موضوعات به صورت کنفرانس ارائه شوند و برای ارائه آن نیز نمره‌ای در نظر گرفته شود؛  
۳. برای فهم عمیق‌تر مطالب کتاب و توسعه آگاهی نسبت به مباحث آن، به جلد اول و دوم کتاب مکاتب تفسیری مراجعه کنند؛

۴. برای طرح سؤال امتحان از سؤالات پایانی هر فصل کمک گیرند.  
در پایان از همه کسانی که در تهیه این کتاب مؤثر بوده‌اند، به‌ویژه از جناب حجت‌الاسلام حسن صادقی، که در تلخیص مکاتب و تبدیل آن به متن آموزشی همکاری بسیار خوبی داشته‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

علی اکبر بابایی

قم - زمستان ۱۳۹۰

## فصل اول

### مباحث مقدماتی

#### اهداف آموزشی فصل اول

از دانش‌پژوه انتظار آن است که پس از فراگیری این فصل:

۱. معنای لغوی و مفهوم اصطلاحی مکاتب تفسیری را بیان کند؛
۲. مفاهیم مبانی و روش‌های تفسیری و تفاوت آن دو را با مکاتب تفسیری تبیین نماید؛
۳. مفاهیم مذاهب، مناهج و مدارس تفسیری را بیان و تفاوت آنها را با مکاتب تفسیری توضیح دهد؛
۴. با مفاهیم اتجاهات و الوان تفسیری آشنا و تفاوت آنها را با مکاتب تفسیری بداند؛
۵. مفسران را دسته‌بندی نماید؛
۶. منزلت ویژه اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را در تفسیر قرآن بیان نموده، برتری‌های اساسی منزلت تفسیری ایشان بر دیگر مفسران را تبیین کند؛
۷. با دسته‌بندی تفسیرها و مکاتب تفسیری آشنا شود.

#### مقدمه

در برخی کتاب‌ها، عناوین مختلفی از قبیل: مکاتب تفسیری، مبانی تفسیر، روش‌های تفسیری، مذاهب تفسیری، مناهج تفسیری، مدارس تفسیری، اتجاهات تفسیری و الوان تفسیری به چشم می‌خورد. گرچه نمی‌توان برای هر یک از این عناوین، معنای اصطلاحی خاصی ذکر کرد و مدعی شد همه‌جا در آن معنا به کار رفته‌اند؛ زیرا چه بسا نویسنده هر کتابی از هر کدام از آن عناوین، معنای خاصی اراده کرده باشد.<sup>۱</sup> ولی بی‌فایده نیست که با توجه به معنای لغوی

---

۱. فهد بن عبدالرحمن رومی، پس از ذکر برخی اصطلاحات، مانند: «اتجاه»، «منهج»، «اسلوب» و «طریقه» گفته است: «حقیقت آن است که این کلمات اصطلاح‌های جدیدی است و در میان دانشمندان نخستین مباحث

کلمات، مناسب‌ترین معنای اصطلاحی آن عناوین را یادآور شویم. از این‌رو، در این فصل، نخست به بررسی اصطلاحات می‌پردازیم و سپس مفسران را دسته‌بندی نموده و دسته نخست آنان را با عنوان «مفسران مصون از خطا و آگاه به همه معانی قرآن» معرفی می‌کنیم و در پایان، به دسته‌بندی‌های مختلف کتاب‌های تفسیری و دسته‌های مختلف تفاسیر از جهت روش تفسیری و مکاتب تفسیری متناسب با آنها اشاره داریم.

### ۱. مکاتب تفسیری

واژه «مکاتب» جمع «مکتب» است و فرهنگ‌نویسان برای «مکتب» معانی و کاربردهای متعددی مانند: آموزشگاه، جای کتاب خواندن، جایی که در آن نوشتن می‌آموزند، دفترخانه، مدرسه، مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته باشد و پیروی از نظریه‌ای در فلسفه و هنر و... آورده‌اند<sup>۱</sup> و تفسیر را به پیدا و آشکار کردن، بیان نمودن معنای سخن، آشکار کردن غوامض سخن، کشف کردن ظاهر قرآن و جز آن، معنا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

با توجه به دو معنای اخیر مکتب، پی می‌بریم که مکاتب تفسیری نیز می‌تواند به معنای نظریه‌های مختلفی باشد که درباره چگونه تفسیر کردن قرآن ابراز شده و شیوع یافته است و هم ممکن است روش‌های مختلف مفسران در بیان معنای آیات قرآن از آن اراده شود. همچنین می‌توان مجموعه آرای تفسیری یک مفسر را در معنای آیات قرآن را که با پذیرش جمعی از مفسران بعد از او مواجه شده، مکتب تفسیری آن مفسر دانست؛ ولی منظور ما از مکاتب تفسیری در کاربردهای این کتاب، «نظریه‌های مختلف مفسران در چگونه تفسیر کردن قرآن» است. طبق این معنا، مکتب تفسیری، از روش تفسیری جداست و شامل آن نیست. مکتب تفسیری، نظریه مفسر در چگونه تفسیر کردن قرآن است و روش تفسیری چگونگی عمل مفسر در تفسیر آیات. مکتب، ماهیت نظری دارد و روش، ماهیت عملی.<sup>۳</sup>

قرآنی کسی را که یادکننده این کلمات باشد، پیدا نمی‌کند و حتی دانشمندان مباحث قرآنی در عصر جدید را نمی‌یابی که بر معنای یکی از این کلمات متفق باشند و از این روی بسیاری از آنان را می‌بینی که از یک معنا گاه با این کلمه و بار دیگر با کلمه‌ای دیگر تعبیر می‌کنند و دسته دیگری از آنان را می‌بینی که برای هر یک از این اصطلاحات تعریفی را بیان و غیر آنان تعریفی دیگر ذکر می‌کنند» (رومی، اصول التفسیر و مناہجه، ص ۵۵).

۱. ر.ک: دهخدا، لغت‌نامه؛ معین، فرهنگ فارسی، واژه «مکتب».

۲. ر.ک: دهخدا، همان، واژه «فسر»؛ صفی‌پور، منتهی‌الارباب، واژه «فسر».

۳. از عنوان «مکاتب تفسیری» در نام مکاتب تفسیری، ج ۱ و ۲ (که پیش از این به عنوان منبع درسی چاپ و نشر

برای آشکارتر شدن منظور خود از مکاتب تفسیری و رابطه آن با روش‌های تفسیری، چند نکته را یادآور می‌شویم:

**نکته اول**، مفسران در تفسیرهایی که برای قرآن نوشته‌اند، روش واحدی نداشته‌اند. روش آنان در بیان معنی آیات و استفاده از منابعی که در تفسیر قرآن می‌توان از آنها کمک گرفت، مختلف بوده است. برای مثال، برخی به ذکر روایت یا روایاتی در ذیل آیات بسنده کرده‌اند و بدون هیچ بحثی در سند یا دلالت روایات و هیچ اظهار نظری از کنار آیات گذشته‌اند و برخی دیگر، افزون بر اینکه بیشترین استفاده را از روایات می‌کنند در مواردی معانی کلمات و اعراب مشکل آیات را نیز با استشهاد به اشعار عرب و امثال آن توضیح داده‌اند و سخنان و دیدگاه‌های صحابه و تابعین را یادآور شده و در موارد اختلاف احیاناً خود بعضی از دیدگاه‌ها را ترجیح داده‌اند و گاه از آیات دیگر نیز کمک گرفته‌اند. گروهی ابتدا به تفصیل از قرائت‌های گوناگون آیات و معانی و اعراب کلمات بحث و سپس معنی آیات را بیان کرده‌اند و در بیان آن از آیات دیگر و روایات نیز بهره گرفته‌اند و برخی هم ضمن بیان معنی آیات، در موارد مناسب مسائل کلامی یا فقهی را نیز مطرح و در دلالت یا عدم دلالت آیات بر آنها بحث کرده‌اند. برخی، پس از آنکه به تفصیل در تفسیر آیات سخن گفته‌اند، مطالبی را به عنوان اشاره و تأویل برای آیات ذکر کرده‌اند و حتی گروهی بیشترین اهتمام خود را بر ذکر معانی باطنی و اسرار و رموز آیات قرار داده‌اند، در حالی که گروه دیگر از ذکر معانی باطنی برای آیات براساس ذوق و استحسان، خودداری کرده‌اند. برخی مفسران در تفسیر آیات بیشترین استفاده را از آیات دیگر قرآن داشته‌اند و به اسباب نزول کمتر اعتماد کرده‌اند و برخی، همه‌جا به ذکر اسباب و شأن نزول آیات پرداخته و در بیان معنای آیات به آن اعتماد کرده‌اند. هرچند ذوق و تخصص علمی مفسران در پیدایش بخشی از این اختلاف روش‌ها بی‌تأثیر نبوده است، ولی عمده اختلاف روش‌های مفسران، از اختلاف نظریه آنان در چگونه تفسیر کردن قرآن نشأت می‌گیرد.

برای مثال، اگر کسی نظرش در چگونه تفسیر کردن قرآن این باشد که قرآن تنها با روایات معصومان علیهم‌السلام قابل تفسیر است و فقط به معنایی که در روایات معصومان علیهم‌السلام برای آیات بیان

شده است) افزون بر نظریه‌های مختلف مفسران در چگونه تفسیر کردن قرآن، کتاب‌های تفسیری و روش‌های تفسیری مبتنی بر آن نظریه‌ها نیز اراده شده است (مکاتب تفسیری و تابع‌های آن). از این‌رو، در مکاتب تفسیری، پس از بررسی و نقد هر مکتب، برخی کتاب‌های تفسیری مربوط به آن مکتب و روش تفسیری آن کتاب‌ها نیز براساس معیار و قواعد تفسیری مبین در کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن بررسی و نقد می‌شوند.

شده است، می‌توان اعتماد کرد، روشش در تفسیر قرآن اکتفا به ذکر روایاتی خواهد بود که در آنها معنایی برای آیات بیان شده باشد. همچنین اگر کسی نظرش این باشد که قرآن به دلیل اینکه «نور» و «تبیان کل شیء» است، در تفسیر آن به چیز دیگری نیاز نیست و قرآن را تنها باید با خود آن تفسیر کرد، روشش در بیان معنای آیات تنها استفاده از آیات دیگر قرآن خواهد بود. همچنین اگر کسی نظرش این باشد که هرچند قرآن کریم ظاهر و باطن دارد، ولی غیر راسخان در علم (نبی اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام) از فهم معانی باطنی آن ناتوانند، قهراً روشش در تفسیر خودداری از ذکر معانی باطنی‌ای است که از طریق روایات به دست نیامده باشد. همان‌گونه که اگر کسی فهم معانی باطنی را برای غیر راسخان در علم ممکن بداند، در تفسیر آیات، معانی باطنی را نیز ذکر خواهد کرد. بنابراین، هر روشی که در تفسیر آیات معمول می‌شود، مبتنی بر نظریه‌ای است که آن مفسر در چگونه تفسیر کردن قرآن اتخاذ کرده است و صحت و سقم و قوت و ضعف هر روش تفسیری بستگی به صحت و سقم نظریه‌ای دارد که مبنای آن روش تفسیری است. از این‌رو، در بررسی هر روش تفسیری، باید نظریه‌ای که مبنای آن بوده بررسی شود.

**نکته دوم**، گرچه با توجه به معنایی که در لغت برای «مکتب» ذکر کرده‌اند، نظریه‌ای در تفسیر درخور اطلاق عنوان مکتب تفسیری است که در جمعی نفوذ یافته و طرفداران بسیاری پیدا کرده باشد، ولی در این کتاب با مسامحه منظور از مکتب تفسیری، مطلق نظریه‌هایی است که درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن بیان شده و روشی را در تفسیر پدید آورده و آیاتی از قرآن با آن روش تفسیر شده باشند، چه اینکه کتاب یا کتاب‌های تفسیری کاملی براساس آنها تألیف شده و طرفدارانی پیدا کرده و نفوذ و شیوع آنها در حد مکتب باشد و چه چنین نباشد.

**نکته سوم**، هرچند «تفسیر» در لغت به آشکار کردن، معنا شده و در کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن، پس از بررسی و نقد تعریف‌های مختلف تفسیر نتیجه گرفتیم: «تفسیر حقیقی قرآن، بیان مفاد استعملی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است»،<sup>۱</sup> ولی در این کتاب برای اینکه عنوان مکاتب تفسیری، همه نظریه‌ها، روش‌ها، آرا و کتاب‌های تفسیری را شامل شود، تفسیر به معنایی اعم از معنای یادشده است و هر گونه ذکر معنی برای آیات را دربر می‌گیرد، اعم از اینکه مفسر دلالت آیات

۱. بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۳.



را بر معنایی که ذکر کرده با ارائه شواهد و قراین بر مبنای قواعد و اصول نامبرده، آشکار کرده باشد یا از آشکار کردن آن ناتوان مانده باشد.

## ۲. مبانی و روش‌های تفسیری

در این مبحث، معانی لغوی و تعریف‌های «مبانی تفسیری» و «روش‌های تفسیری» و تفاوت آن دو با مکاتب تفسیری بیان می‌شود.

### الف) مبانی تفسیر

«مبانی» جمع «مبنی»<sup>۱</sup> و مبنی محل بناست<sup>۲</sup> و مبنای هر چیزی پایه و اساس آن چیز است؛ برای مثال، مبنای ساختمان، «پی» و «شالوده» آن است و از این‌رو، در لغت فارسی «مبنا» را به بنیان، اساس، شالوده و پایه معنا کرده‌اند.<sup>۳</sup> روشن است که پایه و اساس اشیای خارجی مانند ساختمان، چیزی از سنخ آن اشیا، و پایه و اساس امور علمی و معنوی از سنخ امور علمی است. بنابراین، می‌توان گفت: مبانی هر علمی شناخت‌ها و باورهایی هستند که پایه و اساس آن علم‌اند و مبانی تفسیر، شناخت‌ها و باورهایی هستند که پایه و اساس تفسیر قرار می‌گیرد و تفسیر بر روی آنها بنا و استوار می‌شود. براساس این تعریف، هر شناخت و باور و علم و دیدگاهی که در شکل‌گیری تفسیر و چگونگی آن مؤثر باشد، از مبانی تفسیر به شمار می‌آید و مبانی تفسیر، اصول و قواعد تفسیر و نظریه‌ها و روش‌هایی را که مفسران درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن پذیرفته‌اند و حتی ادله و مستندات تفسیر را شامل می‌شود و در نتیجه، مبانی اعم از مکاتب تفسیری است.

برخی در تعریف مبانی تفسیر گفته‌اند: «مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد».<sup>۴</sup> براساس این تعریف نیز مبانی، اعم از مکاتب تفسیری است؛ زیرا مکتب تفسیری به معنای نظریه مفسر درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن یکی از پیش‌فرض‌هایی است که مفسر آن را پذیرفته و آن را مبنای تفسیر خود قرار داده است.

۱. معین، فرهنگ فارسی، واژه «مبانی».

۲. همان، واژه «مبنی».

۳. همان؛ دهخدا، لغت‌نامه، واژه «مبنی».

۴. شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۴۰.

برخی نیز گفته‌اند: «مبانی تفسیر عبارت‌اند از قواعد و اصول مسلم ثابت نزد مفسر که تفسیر قرآن براساس آنها بنا می‌شود».<sup>۱</sup>

ولی در جایی که «مبانی» در کنار مکاتب، اصول و قواعد تفسیر به کار رود و تقسیم آن عناوین قرار گیرد، مناسب‌تر این است که از مبانی، معنایی غیر از معنای آن عناوین اراده شود. برای این منظور پیشنهاد می‌شود مبانی تفسیر به صورت ذیل تعریف شود:

مبانی تفسیر قرآن، شناخت‌ها و باورهای بنیادینی درباره قرآن و ویژگی‌های آن هستند که در چگونگی تفسیر قرآن و تعیین قواعد و روش آن اثر می‌گذارند و به این صورت، زیربنای تفسیر قرار می‌گیرند.

برای مثال، کسی که الفاظ و عبارت‌های قرآن را نیز نازل شده از جانب خدا می‌داند و به قدسی و الهی بودن آن باور دارد، تفسیری از آیات را که با این باور ناسازگار باشد، صحیح نمی‌داند و به قرینه بودن صفات باری تعالی در دلالت آیات و به قاعده لزوم توجه به صفات خدای متعال در تفسیر آیات ملتزم می‌شود.

همچنین کسی که معتقد شده است قرآن زبان ویژه‌ای دارد که فقط پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام به آن آگاه هستند، به مکتب تفسیری روایی محض یا حداکثر به مکتب تفسیری اجتهادی روایی پایبند می‌شود و کسی که باور داشته باشد قرآن دست‌کم در سطح یا سطوحی از معنایش با مردم با زبان خود آنان سخن گفته است، مکتب تفسیری اجتهادی را می‌پذیرد و فهم و تفسیر معانی قرآن را به آنچه در روایات بیان شده، محدود نمی‌داند.

همچنین اگر کسی درباره قرآن به این شناخت رسیده باشد که قرآن با یک قرائت از جانب خدا نازل شده است، تفسیر آیات طبق قرائت‌های هفت‌گانه و مراد خدا دانستن همه معانی مبتنی بر آن قرائت‌ها را صحیح نمی‌داند و در موارد اختلاف قرائت‌ها به قاعده «لزوم تفحص از قرائت صحیح» و «لزوم تفسیر طبق قرائت رسول خدا ﷺ» ملتزم می‌شود.

طبق تعریف اخیر، مبانی تفسیر شامل مکاتب، قواعد و روش‌های تفسیری نمی‌شود؛ بلکه در تعیین و انتخاب آنها اثر می‌گذارد. همچنین شناخت‌ها و باورهایی که موضوع آنها قرآن

۱. سیفی مازندرانی، درس تمهیدیه فی القواعد التفسیری، ج ۱، ص ۱۳۹. برای دیدن تعریف‌های دیگر، ر.ک: عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۱۵؛ بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۴؛ رضایی، منطق تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۱۷؛ مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ص ۲۸؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرةالمعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۲۲.

نیست، ولی در چگونگی تفسیر قرآن و قواعد و روش آن مؤثرند، مانند اعتبار و حجت بودن قول لغت‌دانان در بیان معانی مفردات و اعتبار خبر واحد معتبر در تفسیر آیات، طبق این تعریف از مبانی تفسیر نیستند؛ ولی چون از اصول موضوعه تفسیر هستند، می‌توان آنها را اصول تفسیر نامید و به این صورت تفاوت میان مبانی تفسیر و اصول تفسیر نیز آشکار می‌شود.

### ب) روش‌های تفسیری

روش، واژه‌ای فارسی و اسم مصدر کلمه «رفتن» است<sup>۱</sup> و در لغت به معنای طرز، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب و...، معنا شده است.<sup>۲</sup> و نیز گفته‌اند: دکارت روش را راهی می‌داند که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم، باید پیمود. در عرف دانش، روش را مجموعه شیوه‌ها و تدابیری دانسته‌اند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می‌شوند.<sup>۳</sup> در محاورات عرفی هر گاه کسی هدف یا مقصدی داشته باشد که برای رسیدن به آن، به راهکار و کوشش و تلاش ویژه‌ای نیاز باشد، راهکاری را که آن شخص برای رسیدن به آن هدف یا مقصد برمی‌گزیند و کوشش و تلاشی را که در آن راه برای رسیدن به آن هدف یا مقصد انجام می‌دهد، روش او گویند.

با توجه به اینکه هدف و مقصد مفسر در تفسیر، فهمیدن معنا و مقصود آیات و آشکار کردن آن است، راهکاری که مفسر برای فهم و آشکار کردن معنا و مقصود آیات انتخاب می‌کند و نوع تلاش و کوششی که در آن راه، برای رسیدن به آن هدف انجام می‌دهد، روش تفسیری آن مفسر است. بنابراین، عنوان «روش‌های تفسیری» در اصطلاح مفسران و دانشمندان علوم قرآنی می‌تواند دو کاربرد داشته باشد:

۱. راهکارها و کوشش‌های مختلف مفسران برای فهم و آشکار کردن معنا و مقصود آیات.
  ۲. راهکارها و کوشش‌های مختلف یک مفسر برای فهم و آشکار کردن معنا و مقصود آیات.
- برای مثال، اگر مفسری برای روشن شدن معنا و مقصود آیات، فقط، یا در بیشتر موارد از تدبیر در سیاق خود آیات و کمک گرفتن از آیات دیگر استفاده کند، روش تفسیری‌اش را روش تفسیر قرآن به قرآن می‌نامند و اگر به نقل روایات مناسب در ذیل آیات اکتفا کند، روش تفسیری او را روش تفسیری روایی محض می‌نامند و اگر افزون بر نقل روایات به بررسی و تحلیل سندی و دلالتی روایات

۱. معین، فرهنگ فارسی، واژه «روش».

۲. دهخدا، لغت‌نامه، واژه «روش».

۳. ساروخانی، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۴۴۶، واژه "method".

و نسبت روایات با یکدیگر و نسبت مجموع روایات با آیات نیز پردازد، روش او را روش تفسیری اجتهادی روایی می‌نامند و اگر مفسری در تفسیر آیات، متناسب با اقتضای آیات از روش‌های مختلف استفاده کند، گاه با تدبیر در سیاق و کمک گرفتن از آیات دیگر و گاه با نقل روایات و بررسی و تحلیل آنها و گاه با بحث‌های ادبی و گاه با استدلال‌های عقلی یا بهره‌گیری از علوم تجربی و... به تفسیر آیات پردازد، به روش او روش تفسیری اجتهادی جامع گفته می‌شود و از عنوان «روش‌های تفسیری» نیز ممکن است روش‌های تفسیری مختلف چنین مفسری اراده شود.

در هر صورت روش، مفهومی راهبردی دارد و بیانگر چگونگی کوشش علمی مفسر در تبیین معنای آیات است و تفاوت روش‌های تفسیری با مکاتب تفسیری در این است که مکاتب، نظریه‌های مختلف مفسران در چگونه تفسیر کردن قرآن است و روش‌ها، راه‌های عملی مفسران و انواع کوشش‌های علمی و عملکرد آنان در تفسیر آیات است. ماهیت مکاتب، نظری است و ماهیت روش‌ها عملی. از نظر منطقی، مکاتب، تعیین‌کننده روش‌های تفسیری هستند و روش‌های تفسیری، زائیده مکاتب تفسیری‌اند.

### ۳. مذاهب، مناهج و مدارس تفسیری

در این مبحث معنای لغوی و مفهوم اصطلاحی سه عنوان مذاهب تفسیری، مناهج تفسیری و مدارس تفسیری بیان می‌شود.

#### الف) مذاهب تفسیری

«مذاهب» جمع «مذهب» است و در فرهنگ‌ها، معانی مختلفی برای آن ذکر شده است؛ مانند روش، جای رفتن، شعبه‌ای از دین، مطلق رأی، مجموعه‌ای از آرا و نظریات علمی و فلسفی مرتبط به هم، طریقه‌ای خاص در فهم مسائل اعتقادی و سرانجام روش خاص در استنباط احکام کلی و فرعی از ظاهر کتاب و سنت.<sup>۱</sup> با در نظر گرفتن این معانی می‌توان از عنوان «مذاهب تفسیری» هر یک از دو معنای ذیل را اراده کرد:

۱. ر.ک: معین، فرهنگ فارسی؛ دهخدا، لغت‌نامه، واژه «مذهب»؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط؛ صفی‌پور، منتهی الارب؛ خوری شرتوتی، اقرب الموارد؛ انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسيط، ماده «ذهب». شایان توجه است که مجموعه معانی یادشده در مجموع این کتاب‌ها، برخی در بیش از یک کتاب و برخی در خصوص یک کتاب ذکر شده‌اند.

۱. مکاتب تفسیری (نظریه‌های مختلف مفسران در چگونه تفسیر کردن قرآن)؛ با این تفاوت که مکاتب تفسیری بیشتر در نوشته‌های فارسی و مذاهب تفسیری در نوشته‌های عربی کاربرد دارد. شاهد این سخن آن است که در عربی کتابی با عنوان المکاتب التفسیری یا مکاتب التفسیر و مانند آن دیده نشده است؛ اما کتابی با عنوان مذاهب التفسیر بالمأثور در کتاب‌های عربی دیده می‌شود.<sup>۱</sup>
۲. شیوه‌های تفسیری و روش‌های مختلفی که مفسران بر مبنای عقاید و طرز تفکر و مکتب (نظریه) تفسیری خود در بیان معنای آیات و کشف مراد خدای متعال از آن برگزیده‌اند. بنابراین، مذاهب تفسیری در برخی کاربردها مترادف و هم‌معنا با مکاتب تفسیری است و در برخی کاربردها با آن متفاوت است. هر گاه مذاهب تفسیری در معنای اول به کار رود، با مکاتب تفسیری مترادف است و هر گاه در معنای دوم به کار رود، با آن متفاوت است؛ مکاتب تفسیری، نظریه‌ها است و مذاهب تفسیری، روش‌های عملی مبتنی بر آن نظریه‌ها.

### ب) مناهج تفسیری

- «مناهج» جمع «منهج» است و «منهج» در لغت به راه آشکار و گشاده معنا شده است<sup>۲</sup> و در اصطلاح، تعریف‌های ذیل را برای آن ذکر کرده‌اند:
۱. قواعد قطعی و مستحکم و ساده‌ای که انسان با رعایت دقیق آن از اینکه خطایی را درست بیندارد، ایمن می‌ماند.<sup>۳</sup>
  ۲. طریقه‌ای که انسان با به کار بردن آن به حقیقت می‌رسد.<sup>۴</sup>
  ۳. روش تحقیق در هر علمی از علوم یا در هر حوزه‌ای از حوزه‌های معرفت انسانی.<sup>۵</sup>
  ۴. روش روشن در تعبیر از چیزی یا در انجام دادن کاری بر پایه مبادی و نظام معین برای رسیدن به هدف مشخص.<sup>۶</sup>
  ۵. گام‌های منظمی که پژوهنده برای حل یک یا چند مسئله اتخاذ می‌کند و برای رسیدن به نتیجه پی می‌گیرد.<sup>۷</sup>

---

۱. ر.ک: حکیم، علوم القرآن، ص ۲۲۸.

۲. معین، فرهنگ فارسی، واژه «منهج».

۳. ر.ک: هدی جاسم ابوطیره، المنهج الاثری فی تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۲.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان، ص ۲۳.

۷. همان، ص ۲۲.

هدی جاسم ابوطبره بر هر یک از این تعریف‌ها، جز تعریف چهارم، اشکال وارد کرده است<sup>۱</sup> که هم خود این تعریف‌ها و هم اشکال‌های وارد شده بر آنها درخور بررسی هستند، ولی برای رعایت اختصار از بررسی آنها صرف نظر می‌کنیم. هدی جاسم ابوطبره در تعریف «منهج تفسیری» می‌گوید:

روشی است که مفسر کتاب خدای متعال با گام‌های منظمی می‌پیماید تا به تفسیر (قرآن) طبق مجموعه‌ای از اندیشه‌ها که قصد دارد آنها را (بر قرآن) تطبیق و در ضمن تفسیر خویش ابراز کند، دست یابد.<sup>۲</sup>

محمد بکر اسماعیل نیز در تعریف «منهج تفسیری» می‌گوید:

روشی است که مفسر براساس جهت‌گیری فکری و مذهبی و فرهنگ و شخصیت خود، در بیان معانی و استنباط آن از الفاظ و ارتباط الفاظ با هم و ذکر شواهد روایی و آشکار کردن دلالت‌ها و احکام و داده‌های دینی و ادبی و جز آن در تفسیر پی می‌گیرد.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد که اگر منهج تفسیری به صورت ذیل تعریف شود، گویاتر و بی‌اشکال‌تر باشد:

«منهج تفسیری» شیوه تفسیری خاصی است که مفسر براساس افکار و عقاید و تخصص علمی یا مکتب تفسیری خود در تفسیر آیات قرآن به کار می‌گیرد. در نتیجه، منهج تفسیری، عنوان عربی «روش تفسیری» است و تفاوت آن با مکاتب تفسیری همان تفاوت روش‌ها با مکاتب تفسیری است. مکاتب، ماهیت نظری دارند و مناهج، ماهیت عملی. مکاتب تعیین‌کننده مناهج هستند و مناهج، زاییده مکاتب‌اند.

### ج) مدارس تفسیری

«مدارس» جمع «مدرسه» است و «مدرسه» در عرف و لغت به معنای آموزشگاه<sup>۴</sup> و مکان تعلیم و تعلم است<sup>۵</sup> و بر گروهی از فلاسفه یا اندیشمندان یا پژوهشگران که مکتب معینی را پذیرفته و رأی مشترکی داشته باشند نیز اطلاق شده است<sup>۶</sup> و جمله «هو

۱. ر.ک: همان.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. این تعریف را آقای ایازی از کتاب ابن جریر الطبری و منهجه فی التفسیر، تألیف محمد بکر اسماعیل، ص ۲۹ نقل کرده است (ر.ک: ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۳۲).

۴. معین، فرهنگ فارسی، واژه «مدرسه».

۵. ر.ک: انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۲۸۰.

۶. همان.